

عدالت خواهی و تجربه قربانیان جنگ افغانستان از عدم تطبیق عدالت

سید جمال هاشمی

نه صلح و نه عدالت عنوان رساله ماستری خانم کیرا ریکهوف فارغ التحصیل دپارتمنت قربانی شناسی و عدالت جنایی پوهنتون تیلورخ کشور هالند است که درشش فصل و هفتاد صفحه به زبان انگلیسی به رشته تحریر درآمده است.

در مقدمه این اثر میخوانیم که نویسنده بعد از مساعی زیاد بالاخره توانسته است کار تیزس ماستری خود را موفقانه به انجام برساند. موصوف علاوه میکند که با بکار بردن دانش و جمع آوری تجارب قربانیان افغان که در هالند زندگی میکنند توانسته است تیزسی را به جامعه تقدیم نماید که از نظر علمی و عملی حایز اهمیت میباشد.

نویسنده کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ ش را یک رویداد خونین و سرآغاز بدبختی های چهل سال اخیر برای تاریخ و مردم افغانستان میخواند. او علاوه میکند که رژیم حزب منحل شده دموکراتیک خلق، طرفدار و تحت حمایت اتحاد شوروی وقت، هزاران افغان را زندانی و شکنجه کرده و به شکل دستجمعی و سازمان یافته به قتل رسانیده است. موصوف از دستگاه اطلاعاتی رژیم دموکراتیک خلق (خاد) در بسا موارد یادآوری نموده و این دستگاه را یکی از ادارات مسئول جنایات انجام شده میداند.

خانم ریکهوف با استناد به مدارک و منابع مختلف دوران جنگهای قدرت طلبانه افغانستان را یکی از دوره های فاقد رهبری در زندگی مردم افغانستان میداند. به قول نویسنده گروه های مختلف در مناطق تحت کنترل شان پابند هیچ نوع قوانین و مقررات نبوده، کاملاً به شکل خودش و فرا قانونی عمل میکردند. بر مبنای مدارک ارائه شده در بسا موارد قتل، تجاوز سرقت و انواع جنایات بوقوع پیوسته است. همچنان مردم در میان آتش جنگ طرفین گیر مانده و قربانی شده اند. به قول نویسنده در نتیجه جنگهای قدرت طلبانه حقوق بشر بشکل گسترده نقض شده و از تطبیق عدالت خبری نبوده است. تنها تلفات انسانی در این دوره به حدود چهل هزار نفر بالغ میشود.

در این اثر علمی نویسنده از نظام طالبان به عنوان یک رژیم استبدادی یاد کرده که بواسطه دولتمردان مذهبی سنتی و افراطی اداره میشود. موصوف علاوه میکند که در مدت زمامداری طالبان حقوق بشر در افغانستان به شکل عام و حقوق زنان به طور خاص و سایر آزادی های مدنی پامال شده اند. مطابق قول نگارنده طالبان از خانه های مردم و اماکن عامه به عنوان سپر انسانی استفاده میکردند. از نظر نویسنده دوران ۱۷ سال اخیر که با هجوم امریکایی ها توأم بوده، با تشدید جنگها و درگیری ها افراد بیشماری قربانی شده اند. بمباران روزانه و عملیات شبانه قوت های خارجی تلفات زیادی را به همراه داشته است. همچنان آسیب دیدگان جنگ افغانستان بر خورد قوای امریکایی را با متهمین و در بسا موارد با افراد بیگناه، با رفتار دستگاه استخباراتی دوران کمونیست های طرفدار شوروی مشابه میدانند و از دید قربانیان، افراد در زندان های تحت کنترل امریکایی ها مورد شکنجه قرار گرفته اند و شرایط دید و بازدید با اقارب و خانواده برای آنان ناممکن بوده است.

همانطوری که گفته آمدیم نویسنده در تمام ادوار متذکره از مهاجرت کتلوی افغانها به کشور های خارجی و بصورت خاص از مهاجرت افغانها به کشور هالند با ارائه ارقام و حقایق خبر میدهد.

از آنجاییکه موضوع بحث این رساله عدالتخواهی و تجربه بی عدالتی است، نگارنده به ترتیب در صفحات ۸، ۲۳، ۲۴ و ۲۵ رساله خود بحث عدالت و عدالت انتقالی را مطرح میکند. نویسنده چهار رکن اساسی که عبارتند از پیگرد قانونی، اصلاح قوانین و ادارات ذیربط، جستجوی حقیقت و جبران خسارت که برای تطبیق عدالت انتقالی لازمی پنداشته میشود را برای تطبیق عدالت انتقالی در افغانستان مورد تحلیل قرار میدهد. به همین ارتباط از تلاش محکمه بین المللی برای تحقیق جنایات جنگی افغانستان خبر میدهد. بقول نویسنده محکمه بین المللی جنایات جنگی مقیم هالند در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷م خواستار تحقیق جنایات جنگی در افغانستان شده بود که شامل جنایاتی میگردد که بعد از ماه می ۲۰۰۳م بوقوع پیوسته باشند. اما اینکه آیا کشورهای خارجی و بخصوص کشور های غربی از چنین داعیه پشتیبانی خواهند کرد، نویسنده اظهار تردید میکند.

در این اثر علمی مؤلف دیدگاه ها و تجارب تعدادی از قربانیان افغان را که در کشور هالند زندگی میکنند جمع آوری نموده و شالوده این روایات را در کنار هم قرار داده، مطابق چارچوب علمی تعیین شده از دو نقطه نظر به بررسی میگیرد:

اول اینکه قربانیان به شکل جمعی چگونه به آن گذشته تلخ و بی عدالتی نگاه میکنند؟ به عبارت دیگر نکات نظر یا تجارب مشترک آن ها چه چیز ها است؟

ثانیا تجارب قربانیان بشکل انفرادی به بحث گرفته میشود.

هدف عمده این تحقیق و سوال مرکزی این رساله مطالعه تجارب قربانیان از عدم تطبیق عدالت است که طی سالهای متمادی از نظر روانی و جسمی ادبیت میشوند. قربانیان افغان مقیم هالند حکومت های چهل سال اخیر را توأم با جنایات ضد بشری و جنایت جنگی توصیف میکنند.

قربانیان خواهان تطبیق عدالت هستند و خواستهای شان نزدیک با مکانیزم ارکان اساسی تطبیق عدالت انتقالی میباشد. در قدم اول آنها خواستار امنیت و صلح هستند. متعاقباً یک حکومت پایدار و با ثبات یعنی یک قوه اجراییه ضامن و بالاخره تطبیق عدالت محقق از قربانیان نقل قول نموده و مینگارد که در یک مورد همه آنهايي که در این تحقیق شامل بوده اند به توافق کشور های غربی مخصوصاً ایالات متحده امریکا مبنی بر تطبیق عدالت در افغانستان به دیده شک و تردید می نگرند.

نگارنده در بخشی از رساله خود از همکاری بنیاد حقوق قربانیان افغانستان اظهار امتنان نموده و از کمک های ارزشمند بنیاد حق در امر معرفی قربانیان جنگ به منظور تشریح تجارب شان ابراز سپاس مینماید.

از طریق لینک ذیل میتوانید متن کامل انگلیسی این اثر را مطالعه نمایید:

http://www.avrfoundation.com/wp-content/uploads/2019/01/AVR_Kyra-Rikhof-Neither-peace-nor-justice.pdf